

کندوکاوی در تمهیدات نظام بین الملل پیرامون

حقوق بشر

و جلوگیری از شکنجه

حسین مهرپور

مقدمه

بسیاری از کشورها اجرا می‌شود. در رم قدیم، ابتدا اعمال شکنجه در مورد بردگان و خارجیان اجرا می‌شد، و شهروندان از آن معاف بودند. بعدها عملاً و به طور متعارف در مورد متهمین شهروند نیز اعمال می‌گردید. در قرن چهاردهم، شکنجه در سراسر اروپا یک امر عمومی و رایج بود و یکی از ابزارهای تحقیق در دادرسی جنایی به حساب می‌آمد.

شکنجه علی‌الاصول به عنوان آزار جسمی و روحی شخصی برای وادار کردن او به اقرار تعریف شده است،^(۱) و به بیان کامل‌تر به معنای اعمال زور یا خشونت روانی یا جسمانی، علیه یک فرد به منظور اخذ اقرار یا اطلاعات با تهدید و زور یا تحقیر، تنبیه یا ارباب است.^(۲)

سابقه اعمال شکنجه و تلاش برای ممنوعیت آن

در قرون وسطی و اوایل دوره جدید، شکنجه به طور منظم برای گرفتن اقرار در فرانسه اجرا می‌شد و حتی گاه پس از اقرار نیز، اعمال می‌گردید. در قرن هفدهم کم کم مخالفت با شکنجه زیاد شد و کسانی چون منتسکیو، ولتر، شکنجه از گذشته‌های دور وجود داشته و علیه متهمان برای کشف جرم و گرفتن اقرار از آنها اعمال می‌شده است و هنوز هم کم و بیش در

روسو و بکاریا با آن به مخالفت پرداختند و شدیداً آن را محکوم کردند، ولی با این حال قضات آن را می‌پذیرفتند تا اینکه سرانجام در سال ۱۷۸۸ با توجه به مخالفت عمومی و همه جانبه، شکنجه در فرانسه لغو شد. در کشورهای دیگر اروپایی نیز چون انگلیس، اسپانیا و آلمان و... شکنجه معمول و قانونی شمرده می‌شد، ولی مبارزه علیه شکنجه گسترش یافت و از هر سومورد تقبیح قرار گرفت. این عمل به تدریج در کشورهای مختلف به لحاظ قانونی ملغی شد چنان که در آلمان در سال ۱۷۸۷، در انگلیس در سال ۱۶۴۰ و در اتریش در سال ۱۷۸۷ اعمال شکنجه لغو گردید.^(۳) هم اکنون در قوانین اساسی بسیاری از کشورها، اعمال شکنجه برای گرفتن اقرار ممنوع اعلام شده و در برخی از آنها هرگونه شکنجه و رفتار غیرانسانی با بازداشت شدگان منع شده و برخی هم صریحاً مجازات بدنی را ممنوع اعلام کرده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۳۸ مقرر داشته است: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» تلاش سازمان ملل برای ممنوعیت شکنجه. نظام حقوق بشری سازمان ملل از همان روزهای نخستین در تلاش برای از بین بردن شکنجه بود و قطعنامه‌های زیادی در این مورد صادر کرد.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۵) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۷) شکنجه ممنوع اعلام شده است و در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ نیز مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای به شماره ۱۳۴۵۲، اعلامیه حمایت از افراد انسانی در مقابل شکنجه و دیگر رفتارها و مجازاتهای خشن، غیرانسانی و تحقیر کننده را تصویب نمود.^(۴) سرانجام در سال ۱۹۸۴ کنوانسیون منع شکنجه و رفتار و مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده تصویب شد که ضمن تشریح و تعریف مفهوم شکنجه و دیگر اعمال غیرانسانی، تعهدات دولتهای عضو را مشخصاً بیان کرده مکانیزم اجرایی آن را نیز توضیح داده است. کنوانسیون مزبور در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ طی قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.^(۵)

طبق بند ۱ ماده ۲۷، سی روز پس از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل، کنوانسیون لازم‌الاجرا خواهد شد و با تحقق شرط مزبور، کنوانسیون در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ قدرت اجرایی پیدا کرده است.^(۶)

طبق بند ۲ ماده ۲۷، هر دولتی که پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون به آن بپیوندد، سی روز پس از تودیع سند الحاق یا تصویب نزد دبیرکل، اجرای مفاد کنوانسیون برای آن دولت لازم‌الاجرا خواهد شد. تا ماه اکتبر سال ۲۰۰۳ تعداد ۱۳۴ دولت به آن پیوسته‌اند. کنوانسیون منع شکنجه مشتمل بر یک مقدمه و ۳۳ ماده است. در مقدمه، با اشاره به

اصول منشور ملل متحد و حقوق ناشی از حیثیت ذاتی انسان و ممنوعیت شکنجه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلام شده که برای مؤثرتر ساختن مبارزه علیه شکنجه، و دیگر مجازات و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز مواد ذیل مورد توافق و تصویب دولتها قرار می گیرد. در سالهای اخیر برای کارآمدتر کردن ساز و کار جلوگیری از شکنجه مسئله بازرسی منظم بین المللی از مراکز بازداشت و نگهداری افراد مورد توجه قرار گرفت و پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه که تشکیل کمیته بازدید دائمی از بازداشتگاهها را پیش بینی کرده به صورت قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر تصویب شده و تلاش برای تصویب آن در مجمع عمومی سازمان ملل و معاهده کردن آن صورت می گیرد. در این نوشته در دو بخش نگاهی به کنوانسیون منع شکنجه و پروتکل اختیاری آن خواهیم داشت.

همچنین تنبیه کردن شخصی به خاطر عملی که او یا شخص ثالثی انجام داده یا احتمال می رود انجام دهد، یا تهدید و یا اجبار او یا شخص ثالث، تنبیه شخص به هر دلیلی بر مبنای تبعیض از هر نوع آن شکنجه تلقی می شود.»

براساس ماده مزبور، هنگامی این اعمال رنج آور بدنی یا روحی از نظر مقررات این کنوانسیون شکنجه محسوب می گردد، که از سوی مقامات صلاحیتدار دولتی یا با تحریک آنها یا با رضایت یا سکوت رضایت بخش آنها اعمال شود. ذیل بند یک می گوید: «رنج و دردی که به طور ذاتی یا تبعی لازم مجازاتهای قانونی است، شکنجه محسوب نمی شود.»

بند ۲ ماده یک، احتیاطاً این مطلب را متذکر شده که اگر در سند بین المللی دیگری طبق قانون داخلی کشور، محدود و مفهوم وسیع تری برای شکنجه در نظر گرفته شده، این تعریف کنوانسیون آن را محدود نمی کند و منافاتی با آن نخواهد داشت؛ یعنی باید براساس همان مفهوم وسیع آن سند بین المللی یا قانون داخلی عمل کرد.

در واقع براساس ماده یک، هر نوع رنج و عذاب و فشار جسمی و روحی که از ناحیه مقامات دولتی یا به وسیله دیگر افراد با تشویق یا با رضایت مقامات مزبور صورت می گیرد، خواه برای کسب اطلاعات یا اقرار یا به هر منظور دیگر، شکنجه محسوب است و دولتهای عضو این کنوانسیون متعهد می شوند اقدامات

۱- نگاهی به کنوانسیون منع شکنجه و محتوای آن

۱-۱- تعریف شکنجه

ماده یک، شکنجه را از نظر کنوانسیون معنا کرده و می گوید: «عبارت «شکنجه»^۱ از نظر این کنوانسیون به هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه شخصی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا از شخص ثالث اعمال شود، اطلاق می گردد.

مؤثر قانونی، قضایی و اجرایی برای جلوگیری از این اعمال اتخاذ نمایند (بند ۱ ماده ۲).

همکاری در عمل مزبور را طبق قوانین جزایی خود جرم محسوب نموده و مجازاتهای متناسب با این نوع اعمال را وضع نمایند (بند ۱ و ۲ ماده ۴).

۱-۲- ممنوعیت شکنجه در همه حال

در بند ۲ ماده ۲ پیش بینی شده که هیچ وضعیت استثنایی و فوق العاده از قبیل جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و هرگونه وضعیت اضطراری دیگر، نمی تواند موجب تجویز شکنجه شود. دستور مقام مافوق نیز نمی تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد و شکنجه گر مسئول عمل خویش می باشد.

ماده ۳، احتمال اعمال شکنجه را از موانع استرداد متهم و یا بازگرداندن شخصی از کشوری به کشور دیگر می داند. اگر چنین زمینه ای وجود داشته باشد که شخص مسترد شده در کشوری که به آن بازگردانده می شود مورد شکنجه قرار می گیرد نباید او را مسترد کرد.

۱-۴- آموزش ممنوعیت شکنجه به مأمورین

ماده ۱۰ دولتها را مکلف می نماید آموزش و اطلاعات مربوط به ممنوعیت شکنجه را به طور کامل در مقررات مربوط به تربیت پرسنل مجری قانون، نیروهای نظامی، انتظامی و همه مأمورینی که به نحوی در بازداشت، بازرسی و رفتار با افراد زندانی دخالت دارند، بگنجانند.

طبق ماده ۱۱، دولتهای عضو موظفند به طور سیستماتیک و منظم قواعد و روشهای مربوط به بازرسی و ترتیبات راجع به زندان و رفتار با اشخاصی را که به هر شکل، بازداشت یا در زندان هستند، با هدف جلوگیری از شکنجه، مورد بررسی و بازمینی قرار دهند، و ماده ۱۲، دولتهای عضو را مکلف می کند ترتیب اطمینان بخشی

کمیته ضد شکنجه در تصمیم ۲۷ آوریل ۱۹۹۴ خود در خصوص شکایت شخصی به نام موتومبا تبعه زئیر (جمهوری دموکراتیک کنگو فعلی) از دولت سوئیس نسبت به اخراج او و بازگرداندنش به زئیر، اعلام داشت: اگر سوئیس موتومبا را به زئیر که در معرض خطر شکنجه شدن است بازگرداند، ماده ۳ کنوانسیون ضد شکنجه را نقض کرده است.^(۷)

۱-۳- جرم دانستن عمل شکنجه

ماده ۴، دولتهای عضو را مکلف می کند که هر نوع شکنجه و نیز شروع به آن و شرکت و

بدهند که اگر قرائن معقولی برانجام عمل شکنجه وجود داشت، مقامات صلاحیتدار به فوریت و به طور بی طرفانه به موضوع رسیدگی نمایند. دو مطلب مهم در مواد ۱۴ و ۱۵ مطرح شده است.

الف- جبران خسارت قربانی شکنجه

طبق ماده ۱۴ هر دولت عضو باید از طریق سیستم قانونی خود ترتیب اطمینان بخشی بدهد که قربانی شکنجه حق گرفتن خسارت عادلانه و کافی داشته باشد و از جمله بتواند تا حد امکان وضع اولیه را اعاده کند و در صورت مرگ، بستگان او بتوانند غرامت بگیرند.

ب- بی اثر بودن اقرار ناشی از شکنجه

طبق ماده ۱۵ دولتهای عضو موظفند به نحو اطمینان بخشی این معنی را اعلام کنند که اقرار در اثر شکنجه به هیچ وجه مدرک محسوب نمی شود و نمی تواند مورد استناد قرار گیرد، جز علیه شخص شکنجه گر برای تعقیب او به لحاظ ارتکاب این جرم.

۵-۱- آیا مجازاتهای بدنی که به حکم قانون برقرار شده، مشمول ممنوعیت کنوانسیون است؟

نکته مهم و قابل ملاحظه ای که باید به آن پرداخت، این است که آیا دولتهای عضو این کنوانسیون تعهد دارند مجازاتهای بدنی چون شلاق و قطع عضو و قصاص اعضای بدن را از قوانین جزایی خود حذف کنند و یا چنین قوانینی را تصویب ننمایند و ممنوعیت شکنجه و تنبیهات

و رفتارهای خشن و غیرانسانی و تحقیرکننده که طبق این کنوانسیون منع شده، شامل این نوع مجازاتها نیز می شود یا مجازاتهای مقرر به حکم قانون از شمول کنوانسیون خروج موضوعی دارد و اگر هم ممنوع باشد، باید مبنای ممنوعیت آن را در جای دیگر جستجو نمود؟

عنوان کنوانسیون عبارت است از «کنوانسیون منع شکنجه و هر نوع مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده». بنابراین علاوه بر کلمه «شکنجه» کلمه «مجازات»^۲ نیز به کار رفته است. در ماده ۱۶ نیز لحن بیان و عبارت به گونه ای است که هر نوع مجازات خشن و تحقیرکننده نیز حکم شکنجه را دارد و ممنوع است.

ماده ۱۶ می گوید: «دولتهای عضو کنوانسیون متعهدند در قلمرو خود اعمال دیگر از رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده را که مشمول تعریف شکنجه موضوع ماده ۱ نیست نیز جلوگیری نمایند و مقررات مربوط به شکنجه را در مورد آنها اعمال نمایند.» ولی از طرف دیگر، چنان که در تعریف شکنجه دیدیم، در ذیل ماده ۱ تصریح شده که تعریف شکنجه شامل درد و رنج اعمال شده علیه شخص در صورتی که این درد و رنج به طور ذاتی یا به طور تبعی لازمه مجازات قانونی است، نمی شود. بنابراین، وقتی به حکم قانون مجازات جرمی مثلاً شلاق یا قطع عضو یا سنگسار باشد -ولو مجازات،

مجازات خشن به نظر برسد- مشمول تعریف شکنجه و ممنوعیت آن نیست. همان گونه که نفس مجازات اعدام نیز با اینکه مشتمل بر درد و رنج محکوم علیه است، مشمول ممنوعیت منع شکنجه نمی باشد.

با این دید، باید کلمه مجازات مندرج در عنوان و ماده ۱۶ را نیز به معنای تنبیه که خارج از رویه قانونی و حکم دادگاه بر کسی اجرا می شود، تعبیر کرد. بر مبنای این نظر، می توان گفت؛ آنچه تحت عنوان شکنجه ممنوع است، همان گونه که در قسمت اول ماده ۱ بیان شده، عبارت است از: «اعمال رنج آور و دردآور

جسمی یا روحی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار». و انواع دیگر تنبیه یا رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده عبارت از اعمال رنج آور و آزارهایی است که پس از حکم و در دوران گذراندن محکومیت یا خارج از روند قضایی بدون قصد کسب اطلاع و اقرار و برای آزار شخصی از سوی مقامات دولتی یا به ترغیب و یا رضایت آنها بدون آنکه مبنای قانونی و حکم دادگاه براساس قانون داشته باشد، اعمال می گردد.

باتوجه به استثنای ذیل ماده ۱ مبنی بر خروج اعمال رنج آوری که لازمه ذاتی یا عارضی مجازات قانونی است از شمول عنوان شکنجه، شاید این نظر، ناموجه نباشد؛ ولی اشکال در مفهوم کلمه ی (PUNISHMENT) است که نوع خشن و تحقیرکننده آن در ردیف شکنجه در این کنوانسیون ممنوع شده است. کلمه ی

(PUNISHMENT) در لغت به معنای تنبیه و اصطلاحاً به مفهوم مجازات و علی الاصول مجازات بدنی است و تقریباً معادل عنوان «تعزیر» در فقه ماست و به مجازاتهای بدنی که طبق قانون اعلام شده و به حکم دادگاه اجرا می شود اطلاق می گردد؛^(۸) مثلاً در کتاب «COMPANION TO LAW» پس از تعریف کلمه مزبور به اعمال درد و رنج و نظایر آن ازسوی شخصی که موقعیت دولتی دارد بر شخص دیگر، می گوید: «مجازات باید قانوناً مجاز باشد و گرنه قبل از همه خود، نوعی شکنجه و عمل جنایی است»

در اغلب قوانین جزایی کشورها، انواع مجازاتهای بدنی وجود داشته، ولی در قرون ۱۷ و ۱۸ و مخصوصاً در عصر معروف به روشنگری، عده ای از متفکرین این نوع مجازاتها را خلاف شئون و حیثیت انسانی دانسته و مفید بودن آن را برای جامعه و جلوگیری از جرم و اصلاح مجرمین مورد تردید قرار دادند و خواستار حذف مجازاتهای بدنی خشن چون داغ کردن، قطع عضو و... از قوانین شدند.

مخصوصاً نظریات حقوقدان جزایی معروف «بکاریا» که کتاب جرم و مجازات او در ۱۷۶۴ منتشر شد و نیز «بتنام» که افکارش در کتاب «مقدمه ای بر اصول اخلاقی و قانونی» در سال ۱۷۸۹ منتشر شد، و در آن اعلام داشت: «مجازات (تنبیهات) خشن و شدید، بی ارزش و شیطانی است»، تأثیر زیادی در روی گرداندن از این نوع مجازاتها داشت.^(۹)

به هر حال، به تدریج این فکر قوت گرفت و بسیاری از کشورها مجازاتهای خشن را از قوانین خود حذف کردند و برخی قوانین اساسی نیز بر حذف آنها تأکید ورزیدند؛ مثلاً قانون اساسی آمریکا در اصلاحیه هشتم خود تصریح دارد که «مجازات خشن و غیر معمول نباید اجرا شود».^(۱۰)

(... NOR CRUEL AND UNUSUAL

PUNISHMENT INFLICTED ...)

قانون اساسی سوئد نیز در ماده ۵ فصل دوم، مجازات بدنی را ممنوع کرده است:

ALL CITIZENS SHALL BE PROTECTED
AGAINST CORPOREL PUNISHMENT

در این تعبیرات همواره از کلمه PUNISHMENT استفاده شده است. بنابراین با این سابقه استعمال و کاربرد کلمه فوق الذکر، مشکل بتوان آن را صرفاً به تنبیه بدنی خارج از حکم قانون تعبیر کرد.

سوابق مربوط به بحث در مورد مجازاتهای بدنی شدید و خشن و استعمال کلمه مزبور، این نظر را بیشتر تقویت می کند که منظور از ممنوعیت مجازات خشن^۳ در کنوانسیون این است که دولتهای عضو باید از وضع این گونه مجازاتها در قوانین خود و اجرای آنها در دادگاهها پرهیز کنند و قوانین موجود خود را که مشتمل بر این گونه مجازاتهاست، اصلاح نمایند.

ماده ۱۶ کنوانسیون ظاهراً این معنی را به خوبی می رساند. سابقه امر در سازمان ملل نیز می تواند قرینه ای بر همین استنباط باشد. مجمع

عمومی سازمان ملل در قطعنامه شماره ۴۴۰ دوم دسامبر ۱۹۵۰ به توصیه شورای قیمومت سازمان ملل تصویب کرد که باید اقدامات لازم برای لغو کامل مجازاتهای بدنی در سرزمینهای تحت قیمومت صورت گیرد و گزارش آن به مجمع داده شود. دو سال بعد، مجمع گزارشهایی را دریافت کرد که نشان می داد جرایمی که در مورد آنها مجازات بدنی اجرا می شود تقلیل یافته است.^(۱۱)

مقررات مربوط به حداقل استاندارد رفتار با زندانیان که در نخستین کنگره سازمان ملل در زمینه جلوگیری از جرم و رفتار مجرمین در سال ۱۹۵۵ در ژنو تدوین شد و طی قطعنامه شماره ۶۶۳ در ۳۱ ژولای ۱۹۵۷ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (اگوسوک) رسید، وضع و اعمال مجازاتهای بدنی انضباطی در مورد زندانیان را ممنوع اعلام کرد.

ماده ۳۱ مقررات مزبور می گوید: «مجازات بدنی، قرارداد در سلول تاریک، و هرگونه مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده به عنوان مجازات تخلفات انضباطی زندانیان کاملاً ممنوع است.»

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۲۸۵۸ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ خود توجه دولتهای عضو را به اجرای کامل این مقررات و گنجاندن آنها در قوانین داخلی خود جلب کرده است.

3. Cruel Punishment

کمیته ضد شکنجه نیز ظاهراً همین برداشت را از مجازات بدنی داشته و آن را مشمول ممنوعیت کنوانسیون ضد شکنجه و طبقاً ماده ۷ میثاق می‌داند. کمیته مزبور هنگام رسیدگی به گزارش مقدماتی اردن در مورد اجرای کنوانسیون ضد شکنجه در جلسه اول ماه مه ۱۹۹۵، نسبت به اجرای مجازات بدنی ابراز نگرانی کرده و آن را نقض کنوانسیون دانسته است و در ضمن توصیه‌هایی که به دولت مزبور نموده، از آن دولت خواسته است در سیاست مربوط به مجازات بدنی تجدیدنظر نماید. به نظر کمیته حقوق بشر، ممنوعیت شکنجه و رفتار و مجازات موضوع ماده ۷ میثاق، شامل مجازات بدنی هم می‌شود.^(۱۲)

مشمول ممنوعیت مجازات خشن و غیر انسانی موضوع ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۶ کنوانسیون ضد شکنجه می‌باشد. به عنوان نمونه، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران آقای کوپیتورن، در گزارش خود به اجلاس پنجاه و دوم مجمع عمومی سازمان ملل، با اشاره به ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات رجم برای زنانی محصنه می‌گوید؛ از دید وی شکی نیست که رجم یک مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیرکننده است و مشمول ممنوعیت عنوان مذکور در اسناد بین‌المللی فوق‌الذکر است.^(۱۳)

متن عبارت در این خصوص چنین است:
IN THE SPECIAL REPRESENTATIVE'S VIEW THERE IS DOUBT THAT STONING IS A CRUEL, "INHUMAN OR DEGRADING PUNISHMENT AS COVERED IN THE INTERNATIONAL INSTRUMENT MENTIONED ABOVE".
 ولی با همه این بحثها و قرائن و امارت ذکر شده، برخلاف بداهت مورد ادعای آقای کوپیتورن همچنان عبارت ذیل بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون این تردید را باقی می‌گذارد که مجازاتهای مقرر قانونی، ولو مجازات بدنی و خشن، مشمول ممنوعیت این کنوانسیون نیست. شاید به خاطر وجود همین تردید معقول بوده که دولت لوکزامبورگ به هنگام تصویب

جدیدترین قطعنامه کمیسیون حقوق بشر نیز مجازات بدنی را در ردیف شکنجه قلمداد کرده است. بند ۹ قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۳۸ مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۹۷ به دولتها خاطر نشان ساخته که: مجازات بدنی می‌تواند برابر با مجازات ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرکننده یا حتی شکنجه باشد:

"9: REMIND GOVERNMENTS THAT CORPOREL PUNISHMENTT CAN AMOUNT TO CRUEL, INHUMAN, OR DEGRADING PUNISHMENT OR EVEN TORTURES"

از دید دیگر صاحب‌نظران مسائل حقوق بشری سازمان ملل نیز به نظر می‌رسد مجازاتهای خشن بدنی ولو در قانون آمده باشد و به حکم دادگاه به موجب قانون مصوب اجرا شود،

کنوانسیون طی یک اعلامیه تفسیری، اعلام داشته که؛ «مجازاتهای قانونی»^۴ مندرج در ذیل بند یک ماده یک کنوانسیون را مجازاتهایی

می داند که هم طبق قوانین داخلی و هم قوانین بین المللی پذیرفته شده باشند»^(۱۴)

سامی ادیب نویسنده کتاب: «مسلمانان و

حقوق بشر» با همین نوع برداشت در رابطه با

عبارت ذیل ماده یک کنوانسیون ضد شکنجه با

بیان انتقادآمیز می گوید: «این قید و استثناء ذیل

ماده یک که از مجازاتهای قانونی صحبت

می کند، در واقع پایه های بنیان ممنوعیت شکنجه

رالرزان می نماید، چرا که کافی است مجازات

رنج آوری هر چند شدید به وسیله قانون وضع

شود تا مشروعیت پیدا کند و در واقع این نوع

شکنجه مشمول ممنوعیت کنوانسیون نباشد.»

۱-۶- کمیته ضد شکنجه و وظایف آن

تدابیر اجرایی مربوط به اجرای مقررات

کنوانسیون به وسیله کمیته ای به نام کمیته

ضد شکنجه انجام می گیرد. ماده ۱۷ کنوانسیون

می گوید: کمیته ای به نام کمیته ضد شکنجه^۵

تشکیل می شود.

۱-۱-۶- ترکیب کمیته

کمیته ضد شکنجه مرکب از ده کارشناس

عالی رتبه و برخوردار از سطح بالای اخلاقی و

شایستگی در زمینه حقوق بشر هستند و با

صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه می نمایند،

نه به عنوان نماینده دولت متبوع خویش.

اعضای کمیته از سوی دولت های عضو نامزد

می شوند و با رأی مخفی دولت های مزبور برای یک دوره ی چهار ساله انتخاب می شوند (بندهای ۲ و ۵ ماده ۱۷).

کمیته مزبور، در جهت تأمین اجرای مقررات

کنوانسیون، وظایفی را به عهده دارد که اجمالاً

به بیان آنها خواهیم پرداخت:

الف- بررسی گزارش ادواری دولتها

طبق ماده ۱۹ کنوانسیون، هر یک از دولت های

عضو باید گزارشهایی را در زمینه اقداماتی که

در جهت اجرای تعهداتشان طبق این کنوانسیون

انجام داده اند، از طریق دبیرکل سازمان ملل به

کمیته تقدیم دارند.

نخستین گزارش، یک سال پس از

لازم الاجرا شدن کنوانسیون برای دولت عضو

باید به کمیته تقدیم گردد و از آن پس هر چهار

سال یک بار، گزارشی در مورد اقدامات جدید

خود در این زمینه تقدیم نمایند.

گزارشها، مورد بررسی کمیته قرار خواهند

گرفت و کمیته نظرات و توصیه های خود را به

دولت مربوط اعلام می دارد.

دولت مربوط می تواند پاسخها و نظرات

خود را به کمیته اعلام دارد و به هر حال، کمیته

در گزارش سالانه ای که طبق ماده ۲۴ به مجمع

عمومی می دهد، ممکن است ملاحظات خود

در مورد گزارشهای تقدیمی و نظر دولتها را نیز

منعکس نمایند.

4. Lawful Sanctions

5. Committee against Torture

ب- بررسی اطلاعات واصله در مورد وجود شکنجه

ماده ۲۰، این معنی را پیش‌بینی کرده که اگر اطلاعات قابل اعتمادی به کمیته واصل شود که در قلمرو یکی از دولتهای عضو به طور منظم شکنجه وجود دارد، کمیته، دولت مربوط را دعوت می‌کند که در بررسی این موضوع همکاری نماید.

کمیته ممکن است تصمیم بگیرد یک یا چند عضو خود را مأمور تحقیق پیرامون اطلاعات واصله در مورد شکنجه و ملاحظات دولت مربوطه بنماید. در بند ۳ ماده ۲۰ پیش‌بینی شده است که این تحقیق و بررسی، ممکن است با همکاری و موافقت دولت ذی‌ربط با مسافرت به داخل کشور صورت گیرد. به هر حال، همه رسیدگیها و بررسیهای معموله طبق بند ۵ ماده ۲۰ باید محرمانه باشد و در تمام مراحل باید انجام کار با همکاری دولت مربوطه صورت گیرد. خلاصه‌ای از نتیجه کارهای انجام شده در گزارش سالانه کمیته به مجمع عمومی خواهد آمد.

ج- بررسی شکایت یک دولت عضو علیه دولت دیگر به عدم رعایت مقررات کنوانسیون

در ماده ۲۱ به طور تفصیل پیش‌بینی شده که اگر یک دولت عضو مدعی باشد دولت عضو دیگر کنوانسیون وظایف خود در رابطه با تعهدات مندرج در کنوانسیون را انجام نمی‌دهد، می‌تواند کتباً موضوع را به کمیته اطلاع دهد و خواستار رسیدگی شود.

در صورتی کمیته صلاحیت رسیدگی به این موضوع را دارد که دولت مشتکی عنه، قبلاً طی اعلامیه‌ای صلاحیت کمیته را برای این موضوع به رسمیت شناخته باشد (بند ۱ ماده ۲۲).

کمیته، شکایات بی‌نام یا غیرمنطبق بر مقررات کنوانسیون یا شکایاتی که در مقام سوء استفاده از این حق مطرح می‌شود را نخواهد پذیرفت. همچنین در صورتی شکایت قابل طرح و بررسی است که موضوع شکایت در ارگان بین‌المللی دیگری مطرح و مورد رسیدگی قرار نگرفته و شاکی تمام مراجع ذی‌صلاح داخلی را طی کرده و نتیجه نگرفته باشد (بند ۵ ماده ۲۲).

رسیدگی کمیته به شکایت افراد در جلسات غیرعلنی صورت می‌گیرد (بند ۶ ماده ۲۲).
طبق بند ۸ ماده فوق، پس از آنکه حداقل

پنج دولت اعلامیه مربوط به شناسایی صلاحیت کمیته برای رسیدگی به شکایت افراد را نزد دبیرکل تودیع کردند، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد. لازم به یادآوری است که به هنگام لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷، بیش از ۵ دولت صلاحیت کمیته را هم در مورد ماده ۲۱ و هم در مورد ماده ۲۲ به رسمیت شناختند و بنابراین مقررات مواد مزبور در همان تاریخ قدرت اجرایی پیدا کرد.^(۱۵)

چنان‌که قبلاً نیز یادآور شدیم، طبق ماده ۲۴، کمیته گزارش فعالیت سالانه خود را به دولت‌های عضو و مجمع سازمان ملل بدهد.

۱-۷- حل اختلاف

در ماده ۳۰ پیش‌بینی شده که اگر دو یا چند دولت عضو در ارتباط با تفسیر یا اجرای مقررات کنوانسیون اختلاف پیدا کردند، ممکن است موضوع به داوری ارجاع شود. اگر ظرف شش ماه طرفین نتوانستند در سازماندهی داوری توافق کنند، به درخواست یکی از طرفین موضوع به دادگاه دادگستری بین‌المللی ارجاع می‌شود (بند ۱ ماده ۳۰).

در بند ۲ همان ماده تصریح شده که دولت‌ها به هنگام امضاء یا تصویب کنوانسیون می‌توانند نسبت به این ماده اعلام حق شرط نموده و خود را ملزم به اجرای آن ندانند. بسیاری از

دولتها هنگام امضاء یا تصویب از این حق شرط استفاده نموده‌اند.

۱-۸- خروج از کنوانسیون^۶

در ماده ۳۱، انصراف و خروج از کنوانسیون ضد شکنجه نیز پیش‌بینی شده است. طبق بند ۱ ماده مزبور، هر دولت عضو می‌تواند با یادداشت کتبی به دبیرکل سازمان ملل خروج خود را از این کنوانسیون و در واقع عدم تعهد خود را به آن اعلام دارد. یک سال پس از وصول این یادداشت به دبیرکل، انصراف و خروج، قطعی و لازم‌الاجرا خواهد شد.

طبق بند ۲ ماده ۳۱، خروج از کنوانسیون، تأثیری بر تعهدات دولت عضو نسبت به اعمالی که قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن خروج انجام داده، نخواهد داشت، و مانع ادامه رسیدگی کمیته که قبل از آن تاریخ شروع شده نمی‌شود. البته بعد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن خروج از کنوانسیون، دیگر کمیته نسبت به دولت خارج شده، رسیدگی‌ای را نخواهد داشت.

۱-۹- دولت‌های عضو و حق شرط

چنان‌که گفتیم، تا اکتبر سال ۲۰۰۳، تعداد ۱۳۴ دولت عضو این کنوانسیون بودند و بالغ بر ۵۱ دولت صلاحیت کمیته را در اجرای مواد ۲۱ و ۲۲ به رسمیت شناخته‌اند.

تعداد معتنابهی دولت‌ها حق شرط‌هایی اعلام

نموده‌اند که عمده آنها مربوط به ماده ۲۰ در مورد صلاحیت کمیته برای تحقیق و بررسی وجود شکنجه در دولت عضو و ماده ۳۰ در مورد ارجاع حل اختلاف به داوری و دیوان دادگستری بین‌المللی می‌باشد.^(۱۶)

به ندرت بعضی از کشورها، حق شرطهای ماهوی بر برخی از مقررات کنوانسیون وارد کرده‌اند، چنان که دولت آمریکا به هنگام تصویب کنوانسیون حق شرطهای نسبتاً مفصلی را وارد کرده است، از جمله در ارتباط با ماده ۱۶ کنوانسیون که رفتار و مجازات خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده نیز مشمول ممنوعیت شکنجه قرار گرفته دولت آمریکا اعلام کرده است که خود را نسبت به مقررات این ماده فقط در محدوده مفهومی که از رفتار یا مجازات خشن، غیرمتعارف و غیرانسانی در اصلاحیه پنجم، هشتم و چهاردهم قانون اساسی آمریکا ممنوع شده است متعهد می‌داند. همچنین در ارتباط با ماده ۱ کنوانسیون اعلام داشته از نظر دولت آمریکا، عدم رعایت موازین قانونی داری خود به خود شکنجه محسوب نمی‌شود، و نیز اعلام کرده که از نظر دولت آمریکا مقررات بین‌المللی و همچنین کنوانسیون منع شکنجه، مجازات اعدام را ممنوع نکرده است. در بین کشورهای اسلامی که کنوانسیون را پذیرفتند، دولت قطر طی یک تحفظ کلی اعلام داشته: «نسبت به هرگونه تفسیری از مقررات کنوانسیون که با موازین اسلامی مطابقت نداشته باشد اعلام حق شرط می‌نماید.»

۲- پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه

۲-۱- طرح اندیشه بازدید از بازداشتگاهها

مؤثر واقع نشدن مقررات کنوانسیون منع شکنجه و نهاد اجرایی آن یعنی کمیته ضد شکنجه که به هر حال کار عمده آن در مطالبه و استماع گزارش دولتها در خصوص چگونگی اجرای مقررات کنوانسیون و اخذ توضیح در این زمینه و دادن توصیه‌هایی خلاصه می‌شود عده‌ای از طرفداران حقوق بشر را واداشت که طرح بازدید و یا بازرسی از مراکز توقیف افراد جهت ملاحظه عینی وجود یا عدم شکنجه را مطرح نمایند.

شاید بتوان مسئله امکان بازدید از بازداشتگاهها و ملاحظه وضع زندانیان و

پی بردن به رعایت یا عدم رعایت اصول انسانی را درباره آنها، دنباله جانداختن طرح برگزاری علنی محاکمات و اعلام آشکار احکام صادره از سوی دادگاهها با لحاظ استدلال و مبانی و مستندات آنها دانست، بنا به گفته میشل فوکو در اروپا تا نیمه قرن هجدهم اکثر دولتهای اروپایی کلیه محاکمات جنایی را تا آخرین مرحله صدور حکم در خفا انجام می دادند که نه تنها مردم، بلکه متهم نیز نسبت به آنچه در دادگاه جریان داشت، در بی خبری محض به سر می بردند، آنها در خصوص اینکه آیا ادله معتبری برای اثبات جرم وجود دارد یا خیر اطلاعی نداشتند، نمی دانستند چه مدارکی نزد قضات موجود است، چگونه به تصمیم گیریها می رسیدند یا بر پایه چه دلایلی رأی خود را صادر می کردند ولی در اواخر قرن هجدهم با گسترش افکار روشنفکرانه، جلسات دادگاهها و دلایل تصمیمات قضات در معرض عموم قرار گرفت.^(۱۷)

چنان که می دانیم در قوانین اساسی بسیاری از کشورها نیز علنی بودن جلسات دادگاه به عنوان یک اصل پذیرفته شده، و از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۵ مقرر می دارد: «محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

ولی در رابطه با زندانها و محلهای نگهداری متهمین و محکومین علی رغم توصیه های اکیدی که در اسناد بین المللی حقوق بشر بر ممنوعیت شکنجه و رفتار خشن و نامناسب و حفظ حرمت شخصیت انسانی آنها شده و ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخصی انسان رفتار کرد»، معمولاً، دولتها به لحاظ مراعات مسائل امنیتی و حفظ حق حاکمیت خود، اجازه بازدید و بازرسی از بازداشتگاههای متهمین و محکومین را نمی دهند و به ویژه قائل شدن این حق را برای سازمانهای

به تدریج مسئله علنی بودن محاکمات و شفاف بودن دادرسی و مستدل و مستند بودن احکام صادره جزء اصول لازم الرعایه حقوق بشری درآمد به گونه ای که ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر با تأکید بر اصل برائت افراد متهم بر لزوم برگزاری محاکمه علنی و وجود تضمینهای لازم برای برخورداری از حق دفاع تصریح می نماید.

ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز علنی بودن دادگاه را اصل و سری

بین‌المللی نقض حاکمیت خود می‌دانند، از سوی دیگر چنان که می‌دانیم گزارشها و شکایتهایی از بدرفتاری مأمورین بازداشتگاهها به خصوص در دوران بازجویی و قبل از محاکمه، مطرح می‌شود که عموماً برای فرد بازداشت شده قابل اثبات نیست و تنها بازرسی و بازدید از این محلها از سوی نهادهای صالح و بی‌طرف می‌تواند تا حدودی این امر را ثابت کند و در جلوگیری از آن مؤثر باشد.

به گفته پروفیسور کاسسه برای نخستین بار در تاریخ از سوی شورای بیست و سه نفره اروپا این سنت شکسته شد و طبق تصمیم شورای مزبور که مقرر شد در شهر استراسبورگ فرانسه است قرار شد یک نهاد بین‌المللی بازرسی تشکیل شود که از کلانتریها، زندانها، سربازخانه‌ها، بیمارستانهای روانی، مراکز بازداشت خارجیان و هر محل دیگری که در آن افراد توسط یک مقام دولتی از آزادیهایشان محروم می‌گردند در کشورهای اروپایی بازدید نمایند و پیرامون صحت و سقم رفتار خشونت‌آمیز، ضدبشری، یا توهین‌آمیز، به ویژه شکنجه زندانیان تحقیق نموده و نتیجه تحقیقات خود را که باید مخفیانه بماند در اختیار دولت مربوطه و طبعاً شورای اروپا قرار دهند.^(۱۸) آقای کاسسه می‌گوید با تشکیل این نهاد بازرسی بین‌المللی، از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ رئیس گروه این بازرسان بوده و از بازداشتگاههای مختلف در کشورهای اروپایی بازدید به عمل آورده و مشهودات وحشتناکی از بدرفتاری با بازداشت‌شدگان داشته است که

چون تاب تحمل نگهداری آن را در نزد خود نداشته و از سوی دیگر سوگند خورده بوده که نتایج تحقیقات را افشاء نکند حاصل مشاهدات و تحلیل‌های خود را بدون ذکر نام کشور مورد بازدید طی کتابی منتشر ساخته است.

به هر حال بحث‌های مربوط به برقراری مکانیزمی برای امکان بازرسی بین‌المللی از بازداشتگاهها در کشورهای مختلف، به عنوان یک ساز و کار عمده برای جلوگیری از شکنجه و رفتار غیرانسانی با کسانی که به هر علتی از آزادی خود محروم شده‌اند منجر به تدوین پروتکل اختیاری شد که در اجلاس سال جاری (۱۳۸۱) کمیسیون حقوق بشر فعلاً به صورت قطعنامه‌ای با اکثریت آراء تصویب شد که ذیلاً نگاهی به محتوای آن خواهیم افکند

۲-۲- اهداف و اصول کلی پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه

پیش‌نویس این پروتکل مشتمل بر یک مقدمه و ۳۷ ماده است که با ۲۹ رأی مثبت در مقابل ۱۰ رأی منفی و ۱۴ رأی ممتنع در اجلاس پنجاه و هشتم کمیسیون حقوق بشر تصویب شد و درخواست تصویب آن از سوی مجمع عمومی سازمان ملل و قرارداد در معرض امضاء و تصویب دولتها به عمل آمد. مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاسی ۵۷ خود در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲ پروتکل را طی قطعنامه A/RES/۵۷/۱۹۹ تصویب نمود و تا ۴ فوریه ۲۰۰۳ برای امضا مفتوح بود تا اکتبر ۲۰۰۳، تعداد ۲۱ دولت آن را

امضا و دو دولت آن را تصویب کردند.

در مقدمه، با اشاره به ممنوعیت شکنجه و رفتار غیرانسانی و اینکه این اعمال نقض جدی حقوق بشری محسوب می شوند و اینکه باید اقدامات مؤثرتر و جدی تری برای جلوگیری از شکنجه و حمایت از افرادی که از آزادی خود محروم شده اند به عمل آورد، تهیه و تقدیم این پروتکل و توصیه به تصویب آن توجیه شده است.

۳-۲- تأسیس سیستم بازدید منظم از بازداشتگاهها

در ماده یک پروتکل هدف از آن، ایجاد یک نظام بازدید منظم از کلیه اماکنی که افراد محروم از آزادی در آنها نگهداری می شوند به وسیله نهادهای ملی و بین المللی مستقل و بی طرف به منظور جلوگیری از شکنجه، و سایر رفتارها و مجازاتهای خشن و غیرانسانی بیان شده است.

۴-۲- تشکیل کمیته فرعی بازدارنده از شکنجه طبق ماده ۲، یک کمیته فرعی بازدارنده از شکنجه تشکیل می شود که وظایف مقرر در این پروتکل را انجام می دهد.

در بند ۲ ماده ۴، محرومیت از آزادی (سلب آزادی)، به هر نوع، توقیف، زندانی کردن یا قراردادن یک شخص در یک محل عمومی یا خصوصی تحت نظر و مراقبت که در نتیجه شخص مجاز نباشد به خاطر دستور یک مقام قضایی یا اداری یا مقام دیگر، به اراده ی خود آنجا را ترک نماید، اطلاق می شود.

کمیته فرعی بازدارنده شکنجه طبق ماده ۵، ده نفر هستند که پس از رسیدن تعداد دولتهای عضو پروتکل به ۵۰ دولت، به ۲۵ نفر افزایش خواهند یافت. اعضاء کمیته از بین اشخاص واجد صلاحیت، برخوردار از مراتب عالی اخلاقی و دارای تجربه در زمینه مسائل قضایی و کیفری و اداره ی زندانها، که از سوی کشورهای عضو معرفی می شوند، انتخاب می گردند و پس

کمیته فرعی بازدارنده وظایف خود را در چارچوب منشور ملل متحد و معیارهای سازمان ملل در زمینه رفتار با افراد بازداشت شده انجام می دهد و باید اصول محرمانه بودن، بی طرفی، غیرگزینشی، جهانی و عینی بودن را رعایت کند. کمیته فرعی و دولتهای عضو باید در زمینه

از انتخاب شدن، بر مبنای صلاحیت فردی خود و با استقلال و بی طرفی انجام وظیفه خواهند کرد. اعضاء کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می شوند که در همان ابتدا نصف این عده به قید قرعه دوره انجام وظیفه شان دو سال خواهد بود. کارمندان و آیین کاری کمیته به وسیله خود اعضاء تعیین و تدوین می شود.

۲-۵- مأموریت کمیته فرعی بازدارنده شکنجه
طبق ماده ۱۱، کمیته فرعی بازدارنده باید از اماکن و محلهای بازداشت که قبلاً ذکر شده بازدید نموده و توصیه هایی به دولتهای عضو

در رابطه با حمایت از افراد بازداشت شده در قبال شکنجه و رفتارهای غیرانسانی بنماید.

به دولتهای عضو برای تأسیس یا نگهداری و حمایت از مکانیزمهای داخلی جلوگیری از شکنجه و تقویت آنها کمک و مشورت دهی بنماید و با نهادهای مربوطه سازمان ملل و نهادهای بین المللی، منطقه ای و محلی در جهت جلوگیری از شکنجه همکاری نماید.

ماده ۱۲ دولتهای عضو را مکلف نموده که در جهت قادر ساختن کمیته فرعی به انجام وظایفش، باید کمیته فرعی را به کشور بپذیرند و امکان دسترسی آن را به محلهای بازداشت که در ماده ۴ به آن اشاره شد، برقرار نمایند. اطلاعات لازم را که کمیته فرعی برای ارزیابی نیازها و اقدامهای ضروری در جهت تقویت حمایت از بازداشت شدگان از شکنجه و رفتار غیرانسانی، درخواست می کند، در اختیارش قرار دهند.

ارتباط بین کمیته فرعی و ساز و کارهای داخلی جلوگیری از شکنجه را تقویت و تسهیل نمایند، توصیه های کمیته را بررسی نموده و در جهت ممکن ساختن اجرای آنها با آن وارد گفتگو شوند. کمیته فرعی در ابتدای شروع کار به قید قرعه ترتیب کشورهایی را که در دستور کار بازدید قرار می گیرند تعیین می کند. و سپس برنامه بازدید خود را از کشورها مشخص می نماید. در هر بازدیدی حداقل دو نفر از اعضاء کمیته باید حضور داشته باشند و می توانند چند کارشناس آنها را همراهی نمایند.

۲-۶- وظایف دولتهادر قبال بازدید کمیته فرعی
طبق ماده ۱۴ پروتکل برای انجام وظیفه کمیته فرعی بازدارنده دولتهای عضو وظایف ذیل را برعهده دارند:

- ۱- در اختیار قراردادن بدون قید و شرط اطلاعات مربوط به تعداد افراد بازداشت شده و محلهای بازداشت و اصولاً تعداد توقیفگاهها و محل آنها.
- ۲- در اختیار قراردادن اطلاعات مربوط به رفتار با افراد بازداشت شده و شرایط بازداشت آنها.
- ۳- امکان دسترسی بدون قید و شرط به همه امکان بازداشت و امکانات آنها.
- ۴- دادن فرصت و امکان مصاحبه خصوصی با افرادی که از آنها سلب آزادی شده، بدون حضور شاهد، به تنهایی یا با حضور مترجم در صورت لزوم یا هر شخصی که کمیته فرعی معتقد است می تواند اطلاعاتی را در اختیار قرار دهد.
- ۵- آزادی انتخاب محل و افرادی که کمیته مایل

است از آنها بازدید به عمل آورد. طبق بند ۲ ماده ۱۴ تنها در موارد اضطراری و ضرورت‌های مربوط به دفاع ملی، سلامت عمومی، بلاای طبیعی یا بی‌نظمی جدی در محل مورد بازداشت می‌تواند موجب مخالفت با بازدید کمیته از محل گردد.

۷-۲- مکانیزم‌های داخلی بازدارنده شکنجه

در جهت تضمین مؤثر بودن بازدید کمیته فرعی و پنهان نماندن هرگونه رفتار غیرانسانی با بازداشت‌شدگان ماده ۱۵ مقرر داشته که هیچ مقام رسمی دولت نمی‌تواند هیچ نوع مجازاتی برای کسانی که با کمیته فرعی رابطه برقرار کرده و اطلاعات در اختیار آن قرار می‌دهند برقرار کند و لو اینکه اطلاعات نادرست به کمیته داده باشند.

طبق ماده ۱۶، کمیته فرعی بازدارنده شکنجه توصیه‌ها و ملاحظات خود را به صورت محرمانه به دولت عضو و در صورت لزوم به نهاد ملی مربوطه منتقل می‌کند و در صورت درخواست دولت، آن را همراه با نظریات دولت مربوط منتشر می‌نماید. اگر دولت بخشی از گزارش را منتشر نماید، این حق برای کمیته محفوظ است که تمام گزارش خود را منتشر نماید.

در مواد ۲۰ تا ۲۳، تقریباً همان اختیارات و امکاناتی که برای کمیته فرعی بازدارنده، شکنجه از بازدید از زندانها، بازداشتگاهها و افراد و توجه به توصیه‌ها و مذاکره برای بهبود اوضاع پیش‌بینی شده بود برای کمیته ملی بازدارنده شکنجه نیز مقرر شده است.

فرعی صورت ندهد، کمیته ضدشکنجه، به طبق ماده ۳۰، هیچ نوع حق تحفظی

(RESERVATION) نسبت به این پروتکل نمی‌توان به عمل آورد. ولی ماده ۲۴ پیش‌بینی کرده که دولتهای عضو هنگام تصویب این پروتکل می‌توانند طی اعلامیه‌ای اجرای تعهدات مربوط به بخش ۳ و ۴ این پروتکل، که عمدتاً عبارت است از فراهم کردن اختیارات مربوط به بازدید از مراکز بازداشت و افراد بازداشت شده را برای مدت سه سال به تعویق اندازد.

طبق ماده ۳۸، سی روز پس از تسلیم بیستمین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل، لازم‌الاجرا می‌شود. و البته هر دولت عضو می‌تواند هر وقت بخواهد، طی یک یادداشت کتبی، به دبیر کل سازمان ملل، انصراف خود را از عضویت در این پروتکل و خروج از آن اعلام دارد. یک سال پس از وصول یادداشت انصراف به دبیر کل سازمان، خروج دولت از پروتکل قطعی خواهد شد.

۳- فرجام

پس از تصویب و اجرایی شدن کنوانسیون منع شکنجه، طرح و تصویب و اجرایی شدن پروتکل و تشکیل یک کمیته فرعی که به طور

منظم و قاعده‌مند می‌تواند از زندانها و هرگونه محل بازداشت افراد بازدید عمل آورده، نحوه رفتار با دستگیرشدگان و زندانیان را از نزدیک ببیند طبعاً می‌تواند اثر بسیار مفید و مثبتی در بهبود شرایط و وضعیت بازداشتگاه و رعایت حقوق انسانی در مورد دستگیرشدگان، و نقش مثبتی در ارتقاء و حمایت از حقوق بشر داشته

طبعاً جمهوری اسلامی ایران که هنوز کنوانسیون منع شکنجه را به خاطر برخی ملاحظات تصویب نکرده است، این پروتکل را نخواهد پذیرفت و اجازه بازدید منظم از بازداشتگاههای خود را به یک کمیته بین‌المللی نخواهد داد. ولی اگر این پروتکل که به تصویب مجمع عمومی رسید با تصویب حد نصاب

پانوشت‌ها

۱. بنگرید به:
THE OXFORD COMPANION TO LAW
۲. آنتونیوکاسسه، **حکومت‌های غیرانسانی، نقض حقوق بشر در اروپای امروز**، ترجمه کیا طباطبایی (تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۷۷)، ص ۶۱.
۳. برای ملاحظه تاریخچه نسبتاً تفصیلی شکنجه و قانونی بودن اجرای آن و راه‌های مختلف شکنجه‌های معمول در کشورهای اروپایی تا اواخر قرن ۱۸ بنگرید به منبع پیشین.
۴. بنگرید به:
THE COMMITTEE AGAINST TORTURE,
FACT SHEET. NO. 17, P.13
۵. همان.
6. MULTILATERAL TREATIES, P. 177.
7. BUETGENTHAL, **INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS**, P. 173.
۸. ر ک، فرهنگ‌های حقوقی انگلیسی؛ مانند Law to Companion و Black Law ذیل کلمه punishment.
۹. عبدالحسین علی‌آبادی، **حقوق جنایی**، ج ۱، صص ۱۶-۱۵.
10. **THE AMERICAN POLITY**., ANNEX. A, P. 15
۱۱. بنگرید به:
FACT SHEET, NO. 4, p. 4: METHODS OF COMBATING TORTURE
۱۲. بنگرید به:
MANUAL ON HUMAN RIGHTS REPORTING UNITED NATIONS, NEW YORK. 1991 p. 92: IN THE VIEW OF THE COMMITTEE THE PROHIBITION MUST EXTEND TO CORPOREL PUNISHMENT.
۱۳. گزارش نماینده ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران، سند شماره ۸/۵۲، ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
14. MULTILATERAL TREATIES, STATUS AS AT 31 DECEMBER 1994 p.178.
۱۵. همان، صص ۱۷۸-۱۸۳.
۱۶. برای ملاحظه متن کنوانسیون ضد شکنجه، نگاه کنید به:
THE UNITED NATIONS AND HUMAN RIGHTS, P. 294 FACT SHEET, NO. 17
۱۷. به نقل از آنتونیوکاسسه، همان، ص ۱۷.
۱۸. پیشین، صص ۱۷-۱۶.

لازم از سوی دولت‌ها، لازم‌الاجرا شود، فشارهای زیادی برای پیوستن دولت‌ها و تن دادن به مقررات آن وارد خواهد آمد. جا دارد نظام جمهوری اسلامی ایران به خصوص نهادهای امنیتی و قضایی، در درجه اول برای رضای خداوند متعال و احقاق حق مردم و اجرای اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی و در درجه دوم برای کسب و حفظ اعتبار بین‌المللی خود به عنوان یک نظام پای‌بند به موازین بین‌المللی حقوق بشر و تعهدات جهانی خود به اسناد مهم حقوق بشری که عضو آنها است نهادهای داخلی مربوطه اعم از دولتی و ملی چون سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و کمیسیون حقوق بشر اسلامی را تقویت و تشجیع نموده ضمن فراهم نمودن تسهیلات لازم برای بازدید از زندانها و زندانیان و محلهای بازداشت، به توصیه‌های آنها در جهت بهبود وضع بازداشت‌شدگان و رعایت حقوق انسانی آنها توجه جدی مبذول نماید و این امر را منافی با استقلال قوا و تفکیک آنها و استقلال قاضی نداند بلکه همان‌گونه که در پروتکل نیز از آن یاد شده، این امر را همکاری در اجرای بهتر اصول مربوط به حقوق اساسی اتباع خود بداند، طبیعتاً همان‌گونه که در ماده ۱۴ پروتکل هم پیش‌بینی شده موارد خاص مرتبط با مسائل امنیت و نظم عمومی در حد معقول و محترم آن می‌تواند از این امر مستثنا باشد.